

پرفسور : لمبتن

اوضاع اجتماعی

ایران

در عهد قاجاریه

ترجمه - منیر برزین

« مالك و زارع » که بتحقیق آنرا

باید مهمترین اثر اجتماعی نیم قرن اخیر ایران تشخیص کرد و دوین کتابی که هم اکنون پروفیسور لمپتن دست بکار تنظیم آنست و بترجمه مختصری از آن تحت عنوان « اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه » مبادرت شده است منبع گرانبھائی دیگر برای پژوهش در اوضاع و احوال اجتماعی ایران در قرون اخیر و آگاهی و وقوف بر احساس و افکاری است که در عهد قاجاریه در ایران وجود داشته است ،

پروفیسور لمپتن سالها باشکیبائی فراوان مدارك معتبر را در باره ایندوره از تاریخ گرد آورده است . در طلب مقصود بھمه نقاطی که آثار زمدارکی در آنجا وجود داشته سفر کرده است و باھمه کسانی که در اینمورد صاحب نظر هستند گفتگو نموده و بزرگترین کتابخانهها و گنجینه و ذخائر علمی را در دسترس داشته است و نمیتوانیم انکار کنیم بر اثر تحمل اینھمه مرارتها سرانجام چنین اثر گرانبھا وعمیقی بوجود آمده است .

انگیزه ام در ترجمه این جزوه و علت انتخاب و ترجمه آن بیشتر این بود که بانوئی ایران شناس بتهیه آن همت کرده بود و گذشته از این زنی که همه او را بعنوان چهره ای درخشان و دیپلماتی قادر و بانبوغ میشناسیم .

البته اگر فرصتی بود و کار زندگی و خانه بگذار دارد بنظر م ترجمه عین کتاب خود خدمت بسزائی باشد و شاید آنروز بتوانم بعنوان اثری ناقابل بچبران آنھمه محبتها و خاطرات دلپذیر ایام توقف مشھد آنرا ببانوان روشن بین خراسان تقدیم دارد .

منیر برزین

اوضاع اجتماعی ایران در عهد

قاجاریه

ابن‌قلم

پروفسور آن لمبتن

ترجمه

میربرزین

مقدمه

گزارشی از جلسه انجمن سلطنتی آسیای مرکزی در سالن انجمن پادشاهی بوردلینگتن هاوس پیکادلی W. ۱ چهارشنبه هفتم دسامبر ۱۹۶۰

✱ ✱ ✱

سرویلیم دیکسن مارشال نیروی هوایی و رئیس انجمن بکرسی ریاست جلوس نمود و در پایان سخنرانی مدال (سرپرستی سایکس ممدوریال) را که از طرف انجمن در سال ۱۹۶۰ بخانم لمبتن اعطاء شده بود بایشان اهدا کرد.

متن سخنرانی رئیس :

علیاحضرتا، بانوان و آقایان! برای اینجانب موجب نهایت خوشوقتی است که امروز پروفسور آن لمبتن را - که برای ما پیرامون اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه سخنرانی مینماید - بشما معرفی کنم. از این سخنرانی ما برخوردار میبالمیم زیرا پروفسور لمبتن بزرگترین شخصیت صاحب نظر معاصر انگلیسی در مورد مسائل مربوط به ایرانست. ایشان از سال ۱۹۳۱ بامور ایران علاقمند بوده و قسمتی از عمر خود را در آنجا گذرانده است. این ایام مشتمل بر پنج سالست که با سمت وابسته مطبوعاتی سفارت بریتانیا در طهران در طول سالهای جنگ جهانی اخیر خدمت کرده، از آن زمان بیحد چندین بار از ایران بازدید و بناوحد مختلف کشور مزبور مسافرت نموده است و صاحب اطلاعات عمیقی در باب مسائل ایران است. پروفسور لمبتن نه تنها در زمینه تاریخ و ادبیات کلاسیک ایران صاحب اطلاعات کم نظیر است بلکه بزبان فارسی و بخصوص بدستور زبان مزبور تسلط کامل دارد و از امور سیاسی ایران مطلع و با مردم این مملکت آشناست و مؤلف مقالات و کتب متعدد نظیر: مالک و زارع در ایران و سه لهجه محلی ایرانی است.

خانم لمبتن از سال ۱۹۵۲ بعد استادی زبان فارسی در دانشگاه لندن را عهده دارست ناطق امروز ما شخصیتی است که همتا و تالی ندارد و یقین دارم سخنرانی امروز برای شما بینهایت آموزنده و لذت بخش خواهد بود؛ اکنون با نهایت مسرت ایشان را معرفی مینمایم.

اجتماع ایران در عهد قاجاریه

دوره قاجاریه - که بامرك کریم خان زند و قیام آغامحمد خان قاجار، در سال ۱۷۷۹ میلادی آغاز شد و با خلع احمدشاه از سلطنت در سال ۱۹۲۵ پایان میپذیرد - همراه است با تغییر شکل ایران از يك حکومت اسلامی استبدادی قرون وسطائی با تشکیلات کهنه پیر و اصول قدیمی متعارف در ممالک شرقی خلفای سابق عباسی، بحکومت سلطنتی مشروطه با فرم و شکل ظاهری حکومت پارلمانی اروپای غربی؛ همچنین در این دوره تغییرات عظیمی در ارتباطات ایران با همسایگانش و با دول بزرگ بوقوع میپیوندد.

محققاً قسمتی از این تغییرات مربوط به تغییر موقعیت ایران توأم با پیشرفت صنایع و نفوذ افکار آزادخواهانه در اروپای غربی است که ایران را مجبور به پذیرش این استحاله کرد. از قرن هیجدهم ببعده رقابت دول بزرگ در ایران که بعلمت عدم همبستگی وضع نسبی کشور مزبور زمینه پیشرفت مناسبی داشته و دارد، يک عامل مهم و دائمی در وضع داخلی ایران محسوب بوده است.

معاهده ترکمانچای (۱۸۲۸ م.) نمودار تغییر ارتباطات ایران با دول عمده است. برطبق بند هفتم این معاهده عباس میرزا بوراثت تاج و تخت قاجاریه تعیین شد. در موقع مرگ شاه (۱۸۳۴) هر دو دولت روسیه و انگلیس بتوسط نمایندگان خود در ایران بشاه توصیه کردند که محمد میرزا را بجانشینی انتخاب کند و موقعیکه محمد میرزا پس از مرگ فتحعلیشاه برای اثبات دعوی تاج و تخت بسمت تهران لشکر

کشی کرد از حمایت نمایندگان روس و انگلیس برخوردار بود (۱) از زمان سلطنت محمد میرزا بعد فشار دول همده بر جریانات داخلی بتدریج بیشتر میشود. حسین خان که جهت تبریک سلطنت ملکه ویکتوریا بلندن فرستاده شده بود در بین راه در اطیش با پرنس متر نیخ ملاقات و وضع شاه را بترتیب زیر توصیف میکند «شاه فرمانروای مملکت است و آرزویی جز استقلال کشور ندارد. ایران با دودولت روسیه و ارتش انگلیس در هند بیش و کم روابط مستقیم دارد. روسیه وسایل جنگی بیشتر از انگلیس دارد ولی انگلیسها از روسها ثروتمندترند. این دو نیرو ممکن است منشاء خیر و شر شوند. برای احترام از سوء اعمال آنها شاه بهر دو با احترام رفتار میکند و باهر دو روابط دوستانه دارد و از بروز هر گونه سوء ظن جلو گیری میشود ایران اگر از سوئی تهدید شود متقابلاً از طرف دیگر تقاضای کمک که بدان واقعاً محتاج است مینماید. این میل باطنی شاه نیست ولی راهیست که الزاماً بدان سمت کشیده میشود. شاه باهیچ یک از این دودوستی ندارد بلکه میخواهد در نهایت بیطرفی با آنها روابط دوستانه برقرار کند و آنچه مقدم بر هر چیز بدان علاقمند است استقلال مملکت و استقرار روابط حسنه با دول خارجی است» (۲)

ایران پس از اینکه واضح شد میتواند سرحدات خود را در برابر

1- Correspondence relating to Persia and Afghanistan, London, 1839, pp.1-3

مکاتبات مربوط به ایران و افغانستان - لندن ۱۸۳۹

2-G.H. Hunt, Outram and Havelock's Persian Campaign, London, 1858, P. 127

هانت. نبردهای اوترام و هاولوک ایران. لندن ۱۸۵۸. صفحه ۱۲۷

تجاوز دول خارجی ببندد تصمیم گرفت و برای مقابله با فشار خارجی اصول جدید غرب را بپذیرد و در طول قرن نوزدهم اثرات پیشرفت تدریجی تمدن و اقتباس از مغرب زمین مشهود است و در بین سایر عوامل افزایش مسافرت، فرهنگ نو و رشد مطبوعات سهم بسزائی دارد. در اینموقع مشکل ایران دو جانبه بود: نو ساختن و پیشرفت مملکت بدون اینکه تحت سلطه سیاسی و اقتصادی هیچ يك از دو دولت بزرگ درآید. از طرف دیگر چون تجدد با تعمیم نفوذ دولت پیش از ترتیب قدیم، ملازمه قطعی دارد از اینرو هدف این بود که در عین حال اکثریت مردم بفهمند دخالت دولت سبب بهبود اوضاع میشود (در حالیکه افراد معدودی باین مشکل توجه داشته اند).

فتحعلیشاه و پسرش عباس میرزا هر دو ضرورت تهیه و تداریک اسلحه جدید را برای مقابله با وسایل جنگی روسها درک کرده بودند (۱) و فتحعلیشاه و جانشینش محمد شاه تا حدودی معتقد بودند که با استفاده از یکی از دو دولت بزرگ میتوانند نواحی از دست رفته خود را تسخیر کنند.

۱- از کتاب مسافرت در ایران. ارمنستان. آسیای صغیر تا قسطنطنیه در سالهای ۱۸۰۸-۱۸۰۹-۱۸۱۲ لندن ۱۸۱۲-صفحه ۲۸۳
(A journey through Persia, Armenia and Asia Minor to Constantinople, in the years 1808 and 1809, 1812, London, 1812, p. 283).

میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا در سال ۱۸۵۹ بموردیه گفته بود (تا کتیکهای نظامی و تئوریهای مربوط بساختن استحكامات و قلاع نظامی را بر حسب دستور او امر عباس میرزا از کلیه منابع روسی و فرانسه ترجمه کرده ایم)

داستان سه شاهزاده ایرانی که پس از تاجگذاری محمد علی‌شاه برای جلب حمایت انگلیسها و تحصیل تاج و تخت ایران به لندن مسافرت مینمایند بیانی از این واقعیت است که در این ایام تاجچه حد مداخلات دول خارجی فصلی جزئی از زندگی سیاسی ایران را تشکیل میداده است شاید آنها از لحاظ شخصی آدمهای جذابی بوده‌اند ولی در برخورد آنها با جهان خارج يك نوع عدم تأثیر و نقص واقع‌بینی وجود دارد (۱) این ضعف واقع‌بینی مشخص‌تر رفتار غالب هموطنان آنهاست بخصوص وقتی که مسأله پیشرفت مطرح است بنظر میرسد تعداد کمی از آنها میفهمند که برای کسب تمدن غربی کوشش عظیم و فعالیت و مجاهدت مداوم کمال ضرورت دارد .

ناصرالدین شاه (۱۸۴۸-۹۶) احتمالاً بهتر از اسلاف خود از موقعیت ایران در جهان و از ضرورت ایجاد تغییرات بمنظور حفظ استقلال کشور مطلع بود . در دوره سلطنت ناصرالدین شاه تعداد افرادی که از نهضت‌های آزادیخواهانه اروپا اطلاع داشتند مرتباً افزایش پیدا کرد . رشد و پیشرفت این طبقه نوشته‌های آنان و اثر آنها در اجتماع در اواخر قرن نوزدهم از مهمترین عوامل مؤثر در اوضاع ایندوره محسوب است که امروز فرصتی برای توضیح بیشتر این مطلب نیست . ناصرالدین شاه که معتقد بود وقوع تحول در ایران بدون کمک خارجی

1- J.B. Fraser, Narrative of the residence of the Persian Princes in London in 1835 and 1836, London, 1838, pp. 66 ff.

ج. بی. فرایزر . داستان توقف شاهزادگان ایرانی در لندن در سالهای

۱۸۳۶-۱۷۳۵- لندن ۱۸۳۸ - صفحه ۶۶

میسر نیست و بهر تقدیر نمیتوان از مداخلات خارجی جلو گیری نمود
 بتشویق سیاستهای خارجی بسرمایه گذاری در ایران موصم گردید تا
 سرمایه گذاران خارجی برای تأمین و حفظ منافع خود به پیشرفت و
 عمران کشور کمک کنند . این موضوع بخوبی از نامه شاه بعنوان
 میرزا حسنخان مشیرالدوله پیرامون قرارداد بد طالع رویترا به چشم
 میخورد . (۱) آز ، حرص و طمع ، دسته‌های متعدد علاقمند بموضوع
 رقابت و همچشمی قوا توأم با نبودن وحدت و هماهنگی در اجتماع
 ایران مانع عظیمی در راه پیشرفت چنین سیاسی محسوب میشد. در عین
 حال خود کامکی و قدرت مطلقه ای که شاه از آن متمتع بود و محیط
 تملق آمیز غیر مرئی که شاه را احاطه کرده بود نظرش را بطرز
 عجیبی منحرف کرد . ناصرالدین در اواخر سلطنت خود اگر ارتجاعی
 قلمداد نشود نسبت به تحول و رفورم بی‌علاقه بود . در حالیکه در
 اوایل سلطنت نسبتاً مترقی و لیبرال محسوب میشد (۲) . در اواخر
 قرن نوزدهم تغییرات مهمی در برخی از قسمتها حاصل شد ولی

۱- با مراجعه به یادداشت‌های فرهاد معتمدی سپهسالار اعظم - تهران
 ۱۳۲۵ شمسی . صفحه ۱۵۱ .

2-Curzan, Persia and the Persian Questions,
 London, 1892, i, pp. 40.-1.

لرد کرزن مشکلات داخلی و خارجی ناصرالدین شاه را در کتاب (ایران
 و مسائل ایران) لندن ۱۸۹۲ - (صفحه ۴۰۰) تشریح مینماید . میرزا ملکم
 خان در (مجموعه اطهری) تألیف محمد محیط طباطبایی نیز در خصوص تغییر
 روش ناصرالدین شاه در اوایل و اواخر سلطنت باین موضوع اشاره مینماید
 (تهران - ۱۳۲۷ شمسی - صفحه ۸۶) .

دستگاه‌های اداری بندرت یا خیلی کم تغییر کرده بود. غنم موفقیت در این راه همراه با انزجار و تنفر عمومی مردم از استثمار خارجیها و این عقیده که شاه و دولت مملکت ایران را به کفار می‌فروشد نتیجه به انقلاب مشروطیت ۱۹۰۵-۶ منتهی گردید.

دوره قاجاریه طولانی است و آنرا باید بچهار مرحله تقسیم کرد:

سلطنت (۱) آغامحمدخان (۹۷-۱۷۷۹) (۲) فتحعلیشاه (۱۸۳۴-۱۷۹۷) و محمد شاه (۴۸-۱۸۳۴) (۳) ناصرالدین شاه (۹۶-۱۸۴۸) و سالهای اول سلطنت مظفرالدین شاه (۴) دوره مشروطیت (۱۹۰۵ بعد). اوضاع سیاسی هر يك از این ادوار متغیر و تغییرات بین دوره اول و آخر قابل ملاحظه است. در زیر بنای تمام این ادوار موضوع نحوه زندگی و مقام فرد در اجتماع که مشخص طرز عمل حکومتها صرفنظر از شکل آنهاست بچشم می‌خورد. بدین ترتیب با اینکه در شکل خارجی تغییرات قابل توجه بنظر میرسد گونی مشخصی در داخل ساختمان اجتماع مشهود نیست.

قاجاریه مثل عده‌ای دیگر از خاندان سلطنتی ایران ترك یا از پیشروان قبایل تر کمن بودند. اطلاعاتی در مورد اصل و نسب قاجاریه موجود نیست و از نوشته‌های مورخان درباری که شجره نامه مناسبی برای آنها تعبیه می‌نمایند باید صرفنظر کرد. قاجاریه از جمله طوایفی بودند که با صفویه بایران مراجعت کردند. در عهد شاه عباس به سه قبیله تقسیم شدند، يك دسته بمر و قبیله دیگر به قراباغ و گروه سوم که قاجاریه از آنها منشعب میشود در استرآباد که قرن‌ها محل سکونت

ثر گمنها بود مستقر شدند . باین ترتیب گذشته قاجاریه همان گذشته
 و سابقه استپهای روسیه است و حتی در نیمه قرن نوزدهم علیرغم شکوه
 و جلال دربار قاجار و مسافرتهای ناصرالدین شاه به اروپا این علائق
 مشهود و مرئی است . این مایه و خمیره ذاتی را در زندگی بیابانی
 شاهزادگان قاجار و تاخت و تاز و جنگجویی قشون آنها ، توهین
 آغامحمدخان بمأمورین تشریفات و درعلاقه فتحعلیشاه و ناصرالدین شاه
 به شکار که تقریباً بقیمت نیستی یکی از وزراء ناصرالدین بنام اعتماد
 السلطنه تمام شد دیده میشود . «ویلیام اوسلی» مینویسد (فتحعلی عیناً
 نظیر اکثر افراد خاندان قاجاریه زندگی ایلاتی را برزندگانی شهری
 ده را بر شهر، چادر را بر قصر ترجیح میدهد (۱) سرجان ملکم - قاجاریه
 را باصفویه قیاس میکند و میگوید «خاندان سلطنتی تا بحال عادات
 تجملی و مبتذلی را که پادشاهان صفوی را به اختفاء در حر مسرا مجبور
 مینکرد از خود دور کرده اند . آنها نه فقط در امور عمومی شرکت
 فعالانه دارند بلکه بکارهای قهرمانی و ورزشهای میدانی و مسابقه
 مشغول میشوند و بدین ترتیب خاطرات نیاکان مغول و تاتار خود را
 زنده نگه میدارند شاه فعلی (فتحعلی) شکارچی ماهر واسب سوار قابلی

1 - Travels in Various Countries of the East,
 more particularly Persia, London, 1819-25, iii, 151

مشارفت در ممالک مختلف شرق بخصوص ایران ۲۵ - ۱۸۱۹ - لندن .

است هر چند هفته يك بار بشكار ميروند (۱) دربار سلطنتی دائم متحرك است در اوایل سده بیستم در ایران عرابه چرخ دار نبود و پادشاه همیشه جز در مواقع بیماری سوار اسب میشد و بهترین اسبها را از هر نقطه کشور برای شاه میفرستند (۲).

در بین خانواده قاجار هرگز بطور کامل وحدت خانوادگی وجود نداشت. گرچه اقدامات آغا محمد خان در تعیین ولیعهد، سلطنت پادشاهان (یا فتحعلیشاه که پس از جلوس به تخت سلطنت چنین نام گرفت) را با مشکلات کمتری مواجه کرد معذک بتوسط خانواده قاجار و دیگران عصیانهایی علیه فتحعلیشاه ایجاد شد. بدنبال مرگ فتحعلیشاه نبرد بین مدعیان تاج و تخت شروع شد و در زمان محمد شاه ناامنی شدت یافت نواحی دور از مرکز بخصوص کردستان و بلوچستان (بجز ایالاتی که در شمال غربی با روسیه و در شمال شرقی با افغان متنازع فیه بود) بطور ناقص بامپراطوری ایران ضمیمه شده بودند. آقامحمد خان و ناصرالدین شاه هر دو مقتول و اقداماتی که برای اختفاء مرگ فتحعلیشاه و ناصرالدین شاه صورت گرفت تا با توسل با اقدامات لازم از بی نظمی جلوگیری شود، نمودار موقعیت باریک تعادل بین نیروی دولت و هرج و مرج بود.

رسم قاجاریه نظیر رسوم سلاجقه یکی از خاندانهای سلطنتی گذشته و از اعقاب ترکمنها، این بود که حکومت ایالات بشاهزادگان

1- The History of Persia from the Most Early period to the Present Time, London, 1829, ii, 396-7.

تاریخ ایران از ازمینه قدیم تا الی حال. ۱۸۲۹. صفحه ۷-۳۹۶ لندن

۲- تاریخ سرجان ملکم صفحه ۴۰۳

ختی اگر طفل خردسالی باشند واگذار شود این حکام را بهم-راه
 یکنفر وزیر یا پینشکار به ایالات میفرستادند و دستگاہهای حکومتی
 تا حدود زیاد تحت نظر آنها اداره میشد (۱) این شیوه که در آن
 قدرت حاکم مسلم و قطعی بود شاید حائز محاسنی بود ولی دو نقص
 عمده داشت. در مورد شاهزادگان جاه طلب سبب میشد که عناصر
 کاردان محلی را بتمر دوادارند و در عین حال مفهوم این طرز حکومت
 این بود که در مرکز هر ایالتی یک نسخه بدل (بامقیاس کوچکتر)
 از دربار تهران با تمام رنج و مشقتی که مردم محلی تحمل میکردند
 بوجود آید (۲) اتحاد از راه وصلت زناشویی عیناً نظیر دوره سلجوقیها
 بعنوان وسیله‌ای برای تحکیم قدرت سلطنت، همکاری و اتحاد برای
 پایان دادن به قتل و خونریزی و جلوگیری از آن بین دسته‌های مختلف
 بکار میرفت (۳) زنهای قاجار بعقد ازدواج رؤسای قبایل محلی،
 اعیان و اشراف علماء و روحانیون درمیآمدند و زنهای این خانواده‌ها
 عروس دربار بودند. برخی از زنهای قاجار نظیر مهد علیا بینهایت

۱- عبدالله مستوفی (شرح زندگی من تهران ۲۵ - ۱۳۲۴ شمس
 صفحه ۴۰). از زمان سلطنت فتحعلیشاه بعد آذربایجان همیشه مقر ولایت مهد
 و بزرگترین دستگاہ ایالتی محسوب میشده است.

2 - J. B. Fraser, Narrative of the Residence
 of the Persian Priaces in London pp,5.

۳- سلاطین قاجاریه صاحب اولاد زیاد بودند. فتحعلیشاه زنهای زیاد
 داشت و دارای ۱۹۰ اولاد بود (مستوفی در شرح زندگی من صفحه ۴۰).
 فرایزرتعداد اولادان را تا ۱۳۰-۱۲۰ پسر و ۱۵۰ دختر بالا میبرد
 (.B. Fraser, pp. 4)

متنفذ بود و مهد علیا پس از مرگ شوهرش محمد شاه، تا وقتی پسرش ناصر الدین شاه ولیعهد و حاکم آذربایجان به تهران آمد، امور دولت را عهده دار بود. (۱) ضمناً زنان سلاطین در بعضی مواقع، نطفهٔ تحریک و بلوا محسوب میشدند و پیرامون آنها عناصر ناراضی و دشمنان برخی از وزراء گرد میآمدند مانند قضیه میرزا احسینخان مشیرالدوله که علت سقوطش از صدارت، ماجرا جوئیانی بودند که دوروبر انیس الدوله زن سوگلی ناصر الدین جمع شده بودند. ارثیهٔ عشیره‌یی قاجار تنها میراث قاجاریه از گذشته نبود (۲). آنها حتی برخی از اقدامات دستگامهای حکومتی صفویه را احیاء کردند و بفرضیه سلطان ظل الله یاسایه خدا بروی زمین است مجدداً جامه عمل پوشاندند شکوه و جلال در بار را که مغایر با عرف و عادت زندگی در استپهای روسیه بود تجدید کردند قدرت و اختیارات مطلقه و تبری شاه از هر گونه مسئولیت از نامه مورخ ۶ ژانویه ۱۸۲۸، ۸ شوال ۱۲۵۳ میرزا علی معاون وزارت امور خارجه به عنوان آقای مک نیل وزیر انگلیسی کاملاً آشکار میشود: «سلاطین ایران تا آنجا که در تواریخ ثبت شده و یا بخاطر میرسد حکومت مطلق بر مردم، بر جان، مال، خانواده، عنوان شهرت و ضیاع و عقار آنها داشته‌اند اگر تصمیم بقتل هزار نفر بیگناه بگیرند کسی حق مؤاخذه و بازجویی ندارد» (۳) لرد کرزن در اواخر قرن نوزدهم مینویسد «شاه اختیارات

1. R. G. Watson, His tory of Persia, London, 1866. P.359

تاریخ ایران از ازمینه قدیم الی حال

۲- سپهسالار اعظم - فرهاد معتمدی - تهران ۱۳۲۵ ش.سی - صفحه ۳۴

3- Correspondence Relating to Persia and Afghanistan, London, 1839, pp, 1.2

مکاتبات مربوط به ایران و افغانستان - لندن ۱۸۳۹. صفحه ۱۰۲

مطلق نسبت بجان ومايملك هر يك از افراد مملكت دارده (۱) عظمت مقام شاه قیاس با آحاد ملت در یادداشتی از حاج میرزا آغاسی مورخ ۱۴ ربیع الاول ۱۲۵۳ - ۱۸ ژوئیه ۱۸۳۷ به فتح محمدخان عامل کرمان حاکم هرات تأکید میشود . در این یادداشت حاج میرزا آغاسی در جواب این تقاضا که شاه باید به کامران بچشم برادر نگاه کند و با او مانند برادر رفتار نماید مینویسد : (طرز رفتار اعلیحضرت ظل الله با فریدون میرزا برادر پادشاه ایران عیناً نظیر رفتار نیست که بایک برده میشود گویا شاهزاده کامران هم ردیف فریدون میرزا باشد و اگر استدعا شود که بین فریدون میرزا و کامران میرزا مزیتی قائل گردد هیچ يك از بندگان راحق این جسارت نیست که بمقامی والاتر از برادری اعلیحضرت همایونی نائل شود (۲) در عین حال وقتی سرهار فرد بحضور فتحعلیشاه میرسد بترتیب زیر مراسم معرفی بعمل میآید « سفیر در بار اعلیحضرت انگلستان برادر والاتبار اعلیحضرت » . (۳)

1- Curzon, Persia and The Persian Questions.

لرد کرزن (ایران و مسائل ایران - لندن ۱۸۹۲ صفحه ۳۹۱)

مکاتبات مربوط به ایران و افغانستان - لندن ۱۸۹۲ صفحه ۵۱

2- Correspondence Relating to Persia and Afghanistan, London, 1839, pp. 51 .

3. Morier, A journey through Persia, Armenia, and Asia Minor to Constantinople in the years 18.8 and 18.9, 1812, London, 1812, P. 189.

مسافرت در ایران . ارمنستان . آسیای صغیر . تاقستان طایفه در سالهای

۱۸۰۸-۱۸۰۹ - لندن ۱۸۱۲ صفحه ۱۸۹ .

قاجاریه که در آرزوی تخت و تاج و سلطنت بودند تحت تأثیر اوضاع بحمایت از حقوق سلطنتی که در حقیقت متزلزل و نا پایدار بود میکوشیدند و ب مردم تلقین میکردند که این قدرت لایزال و مقدس است در این مورد سر جان ملکم مینویسد « هر چیزیکه با نام شاه و قدرت او بستگی داشته باشد محترم تلقی میشود و درجه احترام با اهمیت صاحب مقام بستگی دارد. اگر از طرف شاه لباس افتخار بشخصی مرحمت شون کسیکه بدر یافت لباس مفتخر میشود (شاهزاده یا شخص دیگر) به بهترین البسه ملبوس میشود و چندین فرسخ پیشواز میرود و نهایت خضوع و خشوع را بعمل میآورد اگر حکم یا فرمانی بنام یکی از مأمورین دولتی صادر و ابلاغ شود مأمور از فرسنگها فاصله باستقبال میرود و فرمان را بالای سرش نگه میدارد و سپس آنرا بمنشی برای قرائت رد می کند و تا خاتمه قرائت فرمان همه بحالت سکوت احترام آمیز سر پامی ایستند. (۱)

تعداد زیادی از سیاحان اروپایی از شکوه دربار قاجار از اهمیت عجیبی که در دربار برای القاب و عناوین ظاهری قائل بودند و از نمایش قدرت در آنجا صحبت میکنند. «سر. ر. کر. پورتر» از یکی از جلسات دربار و در حضور فتحعلیشاه اینگونه سخن میگوید: «شاه، فتحعلیشاه، از سمت چپ وارد سالن شد و بسمت جلو رفت باشکوه، وقار و جلالیکه خاص سلاطین بود. بسرپایش جواهر آویزان بود و تلوؤلؤ جواهرات در نگاه اول چشم را خیره میکرد. وقتی شاه بسمت تخت پیشرفت

تمام درباریها بزمین خم شدند و تعظیم میکردند تا اینکه شاه بر تخت نشست سپس سکوت محض بر سالن چیره شد. سیمای و شکل ظاهری درباریان جالب و پیمناک بود سکوت و سکون جمعیت چنان بود که جزئی حرکت برک درخت یا ریزش قطرات آب از چشمه در جویبار شنیده نمیشد. (۱)

سر جان ملکم مینویسد: «در هیچ درباری اینهمه به تشریفات نمیپردازند برای نگاهها، کلمات، حرکات بدن اشخاص مقررات مخصوص وجود دارد. وقتی شاه بارعام میدهد. وزراء، درباریان و فرزندان شاه باید سر پا بایستند و دستها را صلیب وار نگهدارند و در محل مخصوص خود صف بکشند هیچ چیز باشکوه تر از دربار ایران در مواقع فوق العاده و مخصوص نیست. در این مراسم دربار با عظمتی خاص جلوه میکند و کارها بدقیق ترین وجهی مرتب و منظم میشود. بهیچیک از امور مملکتی جز بحفظ و نگهداری این مراسم که برای عظمت سلطنت و قدرت سلطنتی ضروری و لازم است توجه معطوف نمیشود» (۲)

در موقع مسافرت شاه در داخله کشور یا سفر حکام در داخله

1- *Travels in Various Countries of the East, More Particularly Persia, London 1819-25* quoted by R.G. Watson, *History of Persia*, pp. 1394.

استخراج از کتاب مسافرت در ممالک مختلف شرق بالخصوص ایران (لندن ۲۵-۱۸۱۰) نقل از کتاب (تاریخ ایران تألیف ر. واتسن)

2- R.G. Watson, *History of Persia, London, 1866. ii399-4.* تاریخ ایران تألیف ر. واتسن

ایالات تحت حکمروایی آنها هدایا و تحف قیمتی بی‌شمار به اعلی‌حضرت یا حاکم از طرف اهالی پیشکش میشود و بهمین نحو اگر شاه یکی از رعایایش را بادیاری مورد تفقد قرار دهد مخارج آن برای میزبان کمرشکن خواهد بود و شاه و ملتزمین چشم داشت دریافت پیشکشی و هدایا دارند. ورود يك سفیر خارجی فرصتی است که شاه با تمام عظمت و جلال جلوه‌گر شود قدرت و ثروت يك دولت خارجی با توجه به شکوه و جلال سفیر و فرستاده آن کشور قضاوت میشود و هر قدر حشمت سفیر بیشتر باشد بهمان نسبت از احترام بیشتر برخوردار میشود سفراء خارجی در اینکار نهایت سعی و مجاهدت را بکار می‌برند و انتظار احترام متقابل دارند. ولی امتناع در برابر ایران از اداء احترام زیاد بدانها در حکم يك اهانت عمده و باین منظور بود که قدرت ایران برخ مردم و کشورهای همسایه کشیده شود. (۱)

توسل مردم بشاه برای رفع تظلم بر طبق شیوه قدیمی سلاطین ایران و خلفاء اسلامی همیشه مقدور بود ولی در عین حال تظلم مردم بدر بار وسیله خوبی برای اخاذی در باریها محسوب میشد. تأثیر این

I. G. H Hunt, Outram and Havelock s Persian Campaign, London, 1858, pp 161ff. and Correspondence relating to Persia and Afghanistan London, 1839, pp 66. ff.

در خصوص سوء رفتار باعلی محمد بيك که حامل نامه و بی‌نام مخصوص از پوتین گر جهت مسترمك نیل بوده است. تاریخ‌حادثه (۱۷۳۷) استخراج از کتاب مکاتبات ایران صفحه ۶۶ و قضیه میرزاهاشم خان در ۱۸۵۴ (کتاب هانت صفحه ۱۶۱)

عمل محدود بود زیرا غالباً خودشاه نیز در فساد دربار بسا درباریان شرکت داشت.

بعلاوه تظلم بشاه در برخی موارد جنبه استهزاء و اتهامات دروغی بخود می‌گرفت و مأمورین مجبور بودند بهر وسیله هست با تقدیم پول و نظائر آن حرص مال اندوزی اولوالامر را قانع کنند و از مجازات و رسوایی جان بدر برند. همانطوریکه سر جان ملکم می‌گوید «در دربار فاسد بیگناهی ایمنی و تضمینی ندارد. (۱) معیر الممالک که پرورش یافته در بار ناصر الدین شاه است و یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی شاه دارد مینویسد:

« همه می‌توانستند شاه را ببینند و غالب مراجعین بدون واسطه عربضه خود را بشاه تقدیم می‌کردند و افراد بسهولت بحضور شاه شرفیاب میشدند و شفاهاشکایات خود را معروض میداشتند و اگر در اظهارات خود محق بودند کمتر نا امید باز میگشتند. اگر شخصی از فرزند شاه نایب السلطنه شاکی بود از مجرای صدر اعظم شکایت خود را بحضور شاه تقدیم می‌کرد و شکایت از طرف یکی از علماء، خواجه گان دربار «یا عزیز السلطانها» رسیدگی میشد. جان کلام اینک که برای مردم راهی برای گریز از ظلم و بی عدالتی وجود داشت و مردم مطمئن بودند مرجعی برای رسیدگی وجود دارد » (۲) گرچه این حرفها

1- R.G. Watson, History of Persia. London. 1866.ii,352

۲- یادداشت‌هایی از زندگی شخصی ناصر الدین شاه و تهران صفحه

۶۰ و کتاب شرح زندگی من از مستوفی صفحه ۱۲۶ .

تا حدود زیادی اغراق آمیز بنظر میرسد مع الوصف برای مردم غالباً مرجعی جز بشاه تصور نمیشد. ولی بعلت خود کامگی و قدرت استبدادی حکام تضمینی برای زندگی و مایملک مردم وجود نداشت .

پس از خانواده قاجار ، رؤسا قبایل بختیاری ، کرد ، افشار یا قره گوزلو ، عرب ، قشقائی ، بلوچ و ترکمن و سایر ایالات نفوذ و احترام داشتند آنها غالباً مالک اراضی وسیعی در نواحی مسکونی خود بودند و قدرت آنها بستگی به نیروی زمینی افراد تحت اختیار آنها داشت . از این افراد شاه هر موقع میخواست استفاده مینمود . رؤسای قبایل بزرگ یا ایلخانی و ایل بیگی در ظاهر از طرف شاه معلوم میشدند ولی مجبور بود که رهبران طبیعی قبایل را برای این مقامات انتخاب کند . در بیشتر موارد رؤسای قبایل عهده دار حکومت محلی نیز بودند و در برخی از نواحی دور افتاده فرمانروایان بلامنازع ناحیه محسوب میشدند . بین قبایل اتحاد و همبستگی وجود نداشت و خطر یکی از ناحیه آنها برای دربار متصور بود جنبه محلی داشت . تضاد و اختلاف رؤسای ایالات توسط فتحعلیشاه و اخلافش تقویت میشد و آنها با ایجاد شقاق و نفاق بین قبایل رؤسای ایلات را آلت اجرای سیاست خود میکردند . غالباً بستگان رؤسای قبایل و حتی خود رؤسای بعنوان گروگان در دربار نگاهداری میشدند تا ایلات سر پیچی نکنند (۱) . و باز گشت آنها در بین قبایل منوط بر این بود که

1. W. Ouseley. *Travels in Various Countries of the East, more particularly Persia, London, 1819.*
25, 3.7

و. اوسلی : مسافرت در ممالک مختلف شرق بخصوص ایران صفحه ۳۰۷

بعنوان يك عامل سياسى مطيع خدمت شوند و ممرى مطمئن براى تهيه و تأمين عوايد جهت دستگاہ فاسد مملكتى باشند (۱). براى روساء قبایل نیز غالباً ضرورى بود كه نمايندگانى در پایتخت و مراکز اصلى ايالات داشته باشند تا كار آنها را انجام دهند و منافع آنانرا حفظ كنند (۲). شجاعت و جوانمردى از جمله صفات ممتاز رؤسای ايالات بود ولى همين ها وقتى زندگى شهرى اختيار ميكردند يا باجبار در بارى ميشدند تفاوتى بين آنها با ساير صاحب منصبان مملكتى نبود. همانطور كه سرجان ملكم مينويسد رؤساء قبایل از خوبىها و فساد محيط خود متأثر بودند آنها صميمى، ميهمان نواز، شجاع، ولى عصبانى. بى ادب و خونخوار بودند. زنان ايالات بيشتراز زنان شهرى از آزاديها برخوردار ميشدند (۳).

بين رؤسای ايالات و افسران نظامى حد فاصلى مشخص نبود و اين مرز بين مأمورين لشكرى و كشورى نیز متغير بود در اوایل سلطنت قاجار به شاه شخصاً ارتش را در جنگها رهبرى ميكرد. در

1- Curzan, Persia and the Persian Questions
London, 1892, ii, 272.

لرد كرزن. ايران و مسائل ايران. لندن. صفحه ۲۷۲

2- R.G. Watson, History of Persia. London.
i 866. ii, 463

ر. واتسن. تاريخ ايران صفحه ۴۶۳

3- Morier, A journey through Persia, Armenia
And Asia Minor to Constantinople in the years
18.8 and 18.9, 1812, pp. 24.

مسافرت در ايران. ارمنستان. آسياى صغير تا قسطنطنيه در سالهاى

۱۸۰۸-۱۸۰۹-۱۸۱۲. لندن صفحه ۲۴۰

زمان پادشاهی ناصرالدین شاه فرماندهی قشون برعهده یکی از شاهزادگان قاجار بود و این رسم تا ۱۸۷۱ یعنی وقتی که میرزا حسین خان مشیرالدوله بمقام سپهسالاری بجای کامران میرزا منصوب شد و فیروز میرزا نصرت الدوله (۱) سمت نمایندگی را پیدا کرد، ادامه داشت حکومتهای محلی معمولاً فرماندهی قشونهای ایالتی خود را برعهده داشتند و لشکرکشی علیه قبایل طاعی و سایر یاغیان یکی از وظایف عمده آنها بود بیکر بگیها که وظایف آنها در قرن نوزدهم مشابه وظایف افسران پلیس بود غالباً و حسب الم معمول جزو صاحبمنصبان قشون قلمداد میشدند. در اوائل قرن نوزدهم ارتش ایران از گارد محافظ سلطنتی و افراد پیاده و سوار چریک محلی از هر ناحیه به نسبتی تشکیل میشد. این افراد تحت نظر رؤساء خود خدمت میکردند و در بعضی مواقع تأمین نفرات سرباز یکی از شرایط تحصیل مقام حکمروایی و در مورد مالکین شرط اعطاء اراضی زراعتی بود. گارد محافظ سلطنتی از غلامان و قشون ثابت تشکیل میشد. تعداد غلامان بر طبق نظر موریه ۳۰۰۰ نفر (۲). و بر طبق سرجان ملکم بین ۴۰۰۰-۳۰۰۰ نفر بود. افراد محافظ گارد از غلامان گرجستانی و شاهزادگان دست اول که در فنون نظام و اسب سواری ماهر بودند انتخاب میشدند. شاهزادگانیکه در ایالات حکمرانی میکردند

۱- فرهاد معتمدی سپهسالار اعظم. تهران ۱۳۲۵ شمسی صفحه ۵۴

2- Morier, Journey through Persia etc. P;242

موریه. مسافرت به ایران صفحه ۲۴۲

هر کدام گارد محافظی البته به تعداد کمتر داشتند (۱). گویا در اواسط قرن نوزدهم از تعداد سربازان گارد سلطنتی کم شده است و «اتسون» تعداد نفرات را کمی بیش از ۱۶۰۰ نفر (۲) و لرد کرزن ۲۰۰۰ نفر قلمداد میکند (۳). قشون ثابت در سال ۱۸۰۹ از ۱۲۰۰۰ نفر تشکیل میشد که از بین ایلات مردم شهر نشین بالاخص از مازندران و ایل قاجار سر بازگیری همیشه بود و بچهار گروه ۳۰۰۰ نفری تقسیم میشد که هر دسته بنوبت بعنوان کشیکچی پیاسداری قصر مشغول میشدند. قسمت عمده قشون شاه مرکب از سربازان ایلاتی بود که هر سال موقع عید نوروز در پایتخت حاضر میشدند و اگر در آن سال بوجود آنها احتیاجی نبود نزد عشیره و ایل خود باز میگشتند (۴). حکومت‌های ایالتی مجاز بودند در مواقع ضروری از بین قبایل

1- R. Watson, History of Persia, 356

(واتسن) تاریخ ایران صفحه ۳۵۶

2- R. Watson, History of Persia, P. 24

کرزن. تکران و مسائل ایران ۲۴

3- Curzon, Persia and the Persian Questions, London, i. 396

4- Morier, Journey, pp. 24-3; A second Journey through Persia, Armenia and Asia Minor to Constantinople, between the Years 1811 and 1816 London, 1818, P. 214

موریه. مسافرت در ایران. ارمنستان. آسیای صغیر تا قسطنطنیه در سالهای ۱۸۰۸-۱۸۰۹-۱۸۱۲. لندن. صفحه ۳-۲۴۰۰ و سفر دوم به ایران. ارمنستان. آسیای صغیر تا قسطنطنیه در سالهای ۱۸۱۰ و ۱۸۱۶. لندن ۱۸۱۸ صفحه ۲۱۴

و دهات حوزه ابو اجمعی خود سر باز گیری کنند .

در طول این قرن در زمینه رفورم ارتش اقداماتی شد که فشنون چریک و غیر منظم ایران بارتش ثابت یا نیمه دائم با انضباط و شکل اروپایی تبدیل شود . برای این منظور هیأت‌های نظامی متعدد و معلمان نظامی از ملل مختلف استخدام شدند. میرزا تقیخان امیر نظام اولین صدر اعظم ناصرالدین شاه تحولات وسیعی را در نظام بخصوص در زمینه سر باز گیری و تأمین جیره نظامیها آغاز کرد . سر بازانی که از دهات و ایلات میآمدند برای مدت معینی بخدمت نظام وظیفه ملزم بودند و در حین خدمت جیره‌یی میگرفتند و نیز بآنان حقوق مختصر سالیانه نیز پرداخت میشد . در سال ۱۸۵۱ دارالفنون نخستین دبیرستانی که در آن علوم جدید تدریس میشد تأسیس گشت تا در آنجا افسر برای ارتش جدید تربیت شود ولی رفورم نظامی میرزا تقیخان عقیم ماند .

گام بعد توسط میرزا حسینخان مشیرالدوله که در سال ۱۸۷۱ به سپهسالاری رسید برداشته شد . در فرمان انتصاب سپهسالار قید است که اراده ملوکانه به ایجاد انضباط جدید در امور نظامی متوجه است .

به سپهسالار در امور نظامی اختیارات تام اعطا شد (۱) . امور مالی ارتش دستخوش بی نظمی بود . حقوق و جیره افراد غالباً عقب میافتاد و تعداد نفرات غالباً کمتر از تعدادی بود که در لیست و دفاتر ثبت بود و قوم و خویش بازی نظیر سایر امور در ارتش رایج بود .

میرزا احسنخان خرابی وضعیت رادرك کرد (۱) و برای تجدید تشکیلات و اجراء و تعمیم انضباط اروپایی در قشون در درجه اول امور مالی ارتش را متمرکز نمود و در مورد بودجه اختیارات تام بوزیر چنگ (وزیر لشکر) داد در نتیجه موفقیت‌های جزئی هم بدست آورد. کرزن در سال ۱۸۹۰ اظهار میکند که ارتش ایران از سوار نظام‌های چریک ایلاتی، پیاده نظام، توپچی و سوار نظام نیمه دائمی با تجهیزات، تعلیمات و اونیفورمی تقریباً بشکل سربازان اروپایی تشکیل میشود. پیاده نظام چریک توسط بخشها و شهرها تربیت و نگهداری میشود و سوار نظام نیمه دائمی و پیاده نظام ثابت از هر ناحیه بر طبق سهمیه مخصوص تأمین میگردد (۲) ولی پرداخت جیره نقدی نیروهای نظامی تأمین تجهیزات و احتیاجات ارتش و وضع رضایت بخشی ندارد. پرداخت حقوق غالباً بتأخیر میافتاد و فقدان ملزومات کافی مانع از این بود که قشون بصورت نیروی جنگنده مؤثر در آید.

طرز کار دستگاههای دولتی قاجاریه بر اساس امپراطوری صفویه پایه گذاری شده بود و کلیه صاحب منصبان دولت نمایندگان شاه بودند. شاه مجری منحصر بفرم محسوب میشد از اینرورؤساء ادارات مسئولیتی واقعی نداشتند و بر حسب اراده شاه ترفیع یا تنزل مقام پیدا میکردند. مهمترین دستگاهها مالیه بود و مستوفی الممالک یا رئیس مالیه

۱- نقل از نامه‌هایی که در کتاب فرهاد معتمدی بنام سپهسالار اعظم

بچاپ رسیده است. صفحه ۶۳

لرد کرزن. «ایران و مسائل ایران» صفحه ۵۷۶

2. Curzon, Persia and the Persian Question.

پ. ۱. ژوبرت. سفر در ارمنستان و ایران. پاریس - ۱۷۲۱ صفحه ۲۴۰

پس از صدر اعظم یا نخست وزیر مهمترین عضو دولت بشمار میرفت
 آغا محمد خان مؤسس خاندان قاجاریه شخصاً ادارات را که در عهد
 او تشکیلات مختصر داشتند سرپرستی میکرد در این دوره دو عضو
 مهم و مؤثر دولت . مستوفی و لشکر نویس بودند. فتحعلیشاه نیز
 شخصاً ادارات را سرپرستی مینمود (۱). بعداً دستگاههای اداری
 توسعه یافت . یکنفر صدر اعظم يك مستوفی الممالک تعیین شد و
 تحت نظر مستوفی الممالک در هر ایالت یا هر چند ایالت یکنفر مستوفی
 خدمت میکرد که بحساب دخل و خرج آن با ناحیه یا نواحی
 رسیدگی مینمود و يك نفر بنام وزیر لشکر یا وزیر جنگ تعیین شد
 و هر فوج یکنفر مستوفی و يك لشکر نویس «منشی الممالک» صاحب
 دیوان برای امضاء اسناد داشت . « معیر الممالک » رئیس ضرابخانه
 «خطیب الممالک» برای قرائت خطبه بنام اعلی حضرت همایونی در
 مراسم عید نوروز و سایر جشنهای رسمی ، «منجم باشی» رئیس منجمین
 و تعداد دیگر مأمورین در باری یا مأمورین حکومت مرکزی و محلی
 داشت .

مقام اعضاء ادارات در اوائل دوره سلطنت قاجاریه در مقام قیاس
 با رؤساء قبایل و مالکین به مراتب پایین تر بود و بآنها بچشم حقارت
 مینگریستند . مأمورین دولت غالباً مؤدب و تحصیل کرده بودند و بر

1. P.A. Jaubert, Voyage en Armenie et Perse,
 Paris, 1821, P.24.

خلاف رؤساء ایالات بتمرین امور نظامی و ورزشهای میدانی نمیپرداختند (۱) بتدریج که ادارات وسیعتر شد بر موقعیت نسبی اعضاء عالی رتبه ادارات افزوده شد. تعداد زیاد تری از رؤساء قبائل و مالکین باین گروه ملحق شدند درحالیکه اعضاء ادارات خود غالباً بمالکین بزرگ تبدیل میشدند و اختلاف بین طبقات کمتر گشت وعدهای از اطرافیان شاه را اعضاء مهم دولت تشکیل میدادند .

در نیمه این قرن ناصرالدین نارسایی شکل دستگاههای دولتی را با مقتضیات زمان درك و در سال ۱۸۵۸ پس از اینکه میرزا آقاخان (که با تمایلات شاه در مورد اصلاح و تجدد کشور مخالفت کرده بود) از مقام صدراعظمی معزول شد شاه شش نفر وزیر تعیین کرد: وزیر داخله، وزیر خارجه، وزیر جنگ، وزیر مالیه، وزیر عدلیه و وزیر اوقاف. وزراء هر يك مستقلاً انجام وظیفه میکردند و فقط در مواقع ضروری بشاه مراجعه مینمودند وقتی کار عمده ای رخ میداد شورای وزیران تشکیل میشد. تمام احکام بایستی بامضاء شاه برسد. (۲) چند وزارتخانه دیگر بعداً اضافه شد در سال ۱۸۷۱ بود که مجدداً یک نفر صدراعظم تعیین گردید (۳). در سال ۱۸۵۹ مجلسی بنام مصلحت خانه

۱- تاریخ سرجان ملکم صفحه ۴۱۴

۲- عبدالله مستوفی «شرح زندگی من» تهران ۱۳۲۴-۵۰ شمسی

صفحه ۱۱۹

۳- فرهاد معتمدی. سیهسالار اعظم. تهران ۱۳۲۵ شمسی صفحه

۱۰۰ و همچنین (عبدالله مستوفی «شرح زندگی من» صفحه ۱۵۶ ضمناً نقل

از کتاب لرد کرزن بنام «ایران و مسائل ایران» صفحه ۴۲۶

یاشوراء بوجود آمد (۱) و عیسی خان اعتمادالدوله یکی از رؤساء فاجار که تقریباً از منسوبین مادرشاه بود بریاست شوراء منصوب شد - تعداد اعضاء شوراء از هیأت وزراء بیشتر بود و در بین آنها مستوفی ، مأمورین مختلف دولتی و روحانی و ملا وجود داشتند . چنین مقرر بود که نظیر چنین مجالسی در دیگر ایالات تشکیل شود . البته سوا بقی دال بر تشکیل این شوراهادر ایالات وجود دارد ولی بنظر نمیآید که عمومیت داشته باشد تا آنجا که محقق است شاه میخواست چیزی شبیه شوراهای ایالتی تشکیل دهد (۲) با توجه بقدرت مطلقه شاه حدود اختیارات این شورا بامور مشورتی محدود میشد در حقیقت وظیفه شوراها به بحث و مذاقه پیرامون مسائلی که بتوسط شاه انجام یافته بود خاتمه پیدا میکرد و شاید بهمین دلیل از روز شروع این شورا دستگامردهای بود . در ۱۸۷۱ یک شورای عالی (دارالشوراء) بوجود آمد این نیز یک دستگام کاملاً مشورتی بود (۳) .

ادارات دولتی راهی برای کسب ثروت محسوب میشد . ادارات مهم کشوری ، حکومتهای محلی ، مقامات کشوری و لشگری در مرکز یا در ایالات در انحصار خانوادههای بزرگ بود در بین این خانوادهها در درجه اول قاجاریه سپس عشائر دیگر و بعد ملاکین بزرگ اراضی قرار داشتند ، این خانوادهها غالباً با هم وصلت میکردند ، ضمناً یک نوع تمایل موروثی برای تصاحب ادارات وجود داشت . در موقع مرک

۱- روزنامه «وقایع اتفاقیه» شماره ۲۱۰۴۵۲ ربیع الثانی ۱۲۷۶

۲- عبدالله مستوفی «شرح زندگی من» تهران - صفحه ۱۲۶

۳- فرهاد معتمدی . سپهسالار اعظم . تهران ۱۳۲۵ شمسی صفحه ۱۲۸

یا انتقال رئیس عالیرتبه اداره، کاروی بپسرش وا گذار میشدا گرچه او کودکی باشد. موضوع موروثی بودن مقام مستوفی گری بعلت تخصص و مهارتی که برای اینکار لازم بود ضروری تر بنظر میرسید . کلیه پرونده ها و اوراق مستوفیها مایملک شخصی آنها محسوب میشد و بایگانی دولتی وجود نداشت برای اشخاص غیر از خود آنها تصدی این مقام دشوار بود و شغل مستوفی الممالکی پله‌ای برای احراز مقام صدر اعظمی بشمار میرفت . طرز کار مأمورین عالی مقام دولت بخصوص در ایالت جنبه پدر شاهی داشت و در کار خود تا حدودی از شیوهٔ پسندیدهٔ حکام اسلامی نیز تبعیت میشد و در جهت عکس مأمورین ستمگر و ظالم و پول بگیری هم وجود داشتند که تا آخرین قطره خون مردم و مملکت را میمکیدند تا اینکه راه چاره بر مردم مسدود میشد و می گریختند.

در عین حال انحصار مشاغل يك قانون لای تغییر و ثابتی نبود و در این زمینه موارد استثنایی مهمی وجود دارد . حاج محمد حسین خان امین الدوله که در زمان آغامحمد خان بیگلربیگی اصفهان را داشت در اصل يك بقال بود . ابتدا کدخدای يك محله شد سپس کلانتر شهر و بعد ضابط یا مأمور جمع آوری مالیات ناحیهٔ ثروتمندی در نزدیکی اصفهان گردید بعداً با تقدیم پیشکشی جالبی نظر آغا محمد خان را بخود جلب نمود و بمقام بیگلربیگی اصفهان نائل آمد . امین الدوله بعلت اطلاعات جالبی که از بازار ، منابع شهر و مردم داشت عوائد اصفهان را بالابرد با کلیه کسبه زارعین و تجار سهیم شد و برای اشخاصی که بسرمایه احتیاج داشتند و برای بقیه که بتجارت مشغول بودند

تسهیلات فراهم می‌کرد. بر اثر افزایش نرخ اجناس (۱) واز راه تجارت انحصاری که در اختیار داشت منافع سرشاری تحصیل کرد. ثروت او در عهد فتحعلیشاه زیاد تر شد و در ۱۸۰۶ بمقام مستوفی الممالکی فتحعلیشاه رسید (۲). میرزا تقی خان امیر نظام نخستین و مهم‌ترین صدراعظم ناصرالدین شاه از طبقات پائین اجتماع و پدرش آشپز بود و بعد در خانه قائم‌مقام پیشکار و ناظر شد. امین السلطان یکی دیگر از وزراء مهم ناصر-الدین شاه نیز از خانواده‌ی نسبة پائین بود (۳).

بنا بر این هر شخصی قادر و توانائی صرف نظر از مقام خانوادگی در عین همه دشواریها ممکن بود بجاه و مقامات عالیه برسد و محتملا این موضوع تا حدودی فساد و تباهی دستگاههای مملکتی را در نظر مردم تخفیف میداد.

اگر حقوق مأمورین کم و ناچیز بود در عوض آنها زندگی خود را از عمر دیگر اداره می‌کردند. توجه بمشاغل دولتی برای استفاده

1-Morier, A second Journey through Persia Armenia and Asia Minor to Constantinople, between the years 181. and 1816, London, 1818, pp.131.

موریه - سفر دوم به ایران. ارمنستان. و آسیای صغیر به قسطنطنیه
بین سالهای ۱۸۱۰-۱۸۱۶ صفحه ۱۳۱.

۲- لسان الملك سپهر. در آخرین قسمت تاریخ عالم بنام «ناسخ التواریخ» جلد آخر آن «تاریخ قاجاریه» تبریز ۱۳۱۹ شمسی صفحه ۶۶

3- Curzon, Persia and the Persian Questions
London, 1892, i, 426.

کرزن - ایران و مسائل ایران. صفحه ۴۲۶

آنها بود ولی البته اینکارها خطر هم داشت وقتی مأموری مغضوب میشود اموالش ضبط میشود و خود تبعید و حتی بمرکب محکوم میگردید. حاج ابراهیم لشکر نویس رئیس الوزراء آغامحمد خان پس از آنکه در عهد فتحعلیشاه بمقام صدراعظمی رسید او را در پاتیلی از روغن مذاب انداختند حاجی میرزا آقاسی صدراعظم منفور محمد شاه پس از مرگ محمد شاه بکر بلا تبعید شد و میرزا تقی امیر نظام بعلت تحریکات درباریها از مقام خود مغزول گشت و بقتل رسید .

توطئه و فساد (که میرزا حسین خان مشیرالدوله آنرا ام الفساد مینامید) که ناشی از عدم امنیت و ضمناً موجب ناامنی است جزء لازم زندگی اجتماع محسوب میشود. تحصیل مشاغل اکثر از طریق تقدیم تحف و هدایا بشاه و سایرین صورت میگرفت.

بعلاوه چون میزان قدرت با ثروت سنجیده میشود و معنی قدرت امنیت نسبی بود لذا تمایل همگانی بگردآوری مال و منال معطوف می گشت ثروتمندان به خاطر حفظ منافع بصرف مال اقدام میکردند و در عین حال از راه بذل مال درصدد تحصیل عنوان و نام وزندگانی پر شکوه برمی آمدند و بذل و بخشش و میهمان نوازی از جمله عادات جمیاه اجتماعی محسوب میشد و وجود طرفداران بیشتر مبین قدرت بیشتر اشخاص بود .

ضمناً بعلت فقدان امنیت اجتماعی اشخاص ضعیف خود را ببرخی از متنفذین میچسبانیدند و این مراکز قدرت حمایت این افراد را بر عهده می گرفتند و توهین بایشان در حکم اهانت به اربابان آنها بود.

معمولاً بستگی به دارودسته اشخاص متنفذ یکی از طرق امنیت نسبی محسوب میشود *

تنها رؤساء قبایل ، ملاکین و رؤساء عالی مقام ادارات در زمره طبقات ممتاز مملکت بشمار نمیرفتند بلکه دو طبقه مهم دیگر یعنی علماء و تجار نیز از این دسته محسوب میشدند که طبقه علماء تا حدودی قدرت سایر طبقات را محدود میگرداند و تجار که با تهیه و تأمین نقدینه و سائل زندگی و آسایش خاطر آنها را فراهم میساختند . دستگاہهای مذهبی عیناً نظیر دوره صفویه تابع جریانات سیاسی بود و در تمام این دوران تمایل روزافزونی از جهت مخالفت با تعالیم مذهبی وجود داشت . عناوین مقامات مذهبی نیز عیناً نظیر پستهای اداری جنبه کاملاً موروثی داشت و بنابر اقتضاء طبیعت دستگاہهای مذهبی طبقات روحانی بیش از متصدیان مشاغل دولتی و صاحبان امور دنیوی ، معرف عامل ثبات در اجتماع محسوب و گاه و بیگاه بصورت پیشوایان محلی نهضت های مقاومت و قیام بر علیه تجاوز دولت ظاهر میشدند . بزرگترین شخصیتهای مذهبی مجتهدین بودند که از قدرت بینهایت زیاد که تعریف آن دشوار است برخوردار بودند . توسل بمجتهدین یا التجاء بدانها در مقام اختلاف با مأمورین دولتی غالباً مؤثر بود . برخی از مجتهدین از مقام خود سوء استفاده میکردند ولی بطور کلی پناهگاهی برای محرومین بشمار میآمدند . «شیخ الاسلام» بزرگترین پیشوای مذهبی هر شهر و «امام جمعه» مأمور مسجد جمعه در شهرهای بزرگ توسط شاه تعیین میشدند و طلاب علوم دینی و عده زیادی از علماء از شاه مقرری دریافت

میکردند. میزان مقرری بشیخ الاسلام بسیار جالب بود. چون رؤساء تشکیلات مذهبی توسط شاه تعیین میشدند لذا تا حدودی استقلال آنها محدود و اطمینان مردم بآنان متزلزل میشد. هر قدر علماء از تقرب بمساحبان قدرت احترام و شخصیت خود را حفظ مینمودند بهمان نسبت مردم بآنها بنظر حامیان خود نگاه میکردند و در بعضی از مواقع بین آنها مردان روحانی واقعی و درست پیدا میشدند گرچه غالباً پولکی. جاهل و متعصب بودند *

ضمناً مذهب شیعه یگانه شکل تعبیر افکار مذهبی نبود بلکه عده زیادی رفع احتیاجات خود را در عضویت در یکی از فرق صوفیه بعنوان عضو رسمی با وابستگی بدانها جستجو میکردند و ارزیابی نفوذ این دستجات در اجتماع کار واقعاً مشکلی است. در بعضی از موارد فرق صوفیه مورد شکنجه واقع میشدند گاهی دستگاههای دولتی برای مخبری و جاسوسی از آنها استفاده میکردند. در بین صوفیها عیناً نظیر طبقات روحانی مردان مذهبی صادق. زاهد، متقی و خدا پرست بودند و نیز تعداد قابل توجهی عناصر شیاد که تحت نام صوفی انگل اجتماع بودند دیده میشدند.

قیام و جنبشهای اجتماعی، از آنجا که تعصبات مذهبی از خواص هیأت‌های حاکمه بود، عیناً نظیر ایام قدیم، شکل مذهبی بخود گرفته بود و از آنجا که بین مذهب و سیاست وجه تفارقی نبود لامذهبی بعنوان خطری جهت رژیم موجود تلقی میگردد. نمونه کامل آن در قرن نوزدهم نهضت بهائیکری است. که واجد هر دو جنبه اجتماعی و رسالت

مذهبی بود. نهضت بهائی در حدود سال ۱۸۴۴ شروع شد ولی پس از مرگ محمد شاه (در آن موقع باب زندانی بود) قتل و خونریزی بر ضد بهائیان شروع شد. در اغتشاشی که بدنبال مرگ محمد شاه رخ داد بین پیروان باب که دستجاتی از آنها بدهات گسیل شده بودند و از ظهور مهدی موعود صحبت میکردند و بین مخالفین آنها تصادم و کشت و کشتار اتفاق افتاد (۱) در چهار سال اولیه سلطنت ناصرالدین شاه بهائیهها بکار خود مشغول بودند و پس از سوء قصدیکه در سال ۱۸۵۲ علیه ناصرالدین شاه بعمل آمد بسختی تحت شکنجه و آزار واقع شدند بعدها غائله آنها پایان یافت و از صحنه برکنار رفتند .

تعصب مذهبی یا باصطلاح فاناتیسیسم (۲) از مشخصات زندگی ایرانیها در عهد قاجاریه محسوب نمیشود . در این دوره بین دسته‌های شیعه و سنی اختلافات مهمی رخ نمود و این دو فرقه در غالب نقاط دور از هم زندگی میکردند . با آنکه نسبت به زرتشتیهها . یهودیان . مسیحیها تا حدی تبعیض میشد همه اقلیتها از آزادیهای مذهبی بهره‌مند بودند و قایع ناگوار از جمله آزار و شکنجه بهائیهها گاه و بیگاه اتفاق میافتاد استثنایی بودن قاعده‌ای کلی خصوصت با غرب در نظر مردم با دفاع از اسلام همراه بود و برای مردم عامی کوچه و بازار موضوع حکومت ملی معنی و مفهومی نداشت ولی این فکر که اسلام با خطر

1 - E G. Browne, A literary History of persia, C.U.P.; 193., iv, 151

ادوارد براون

تاریخ ادبیات ایران ۱۹۳۰ صفحه ۱۵۱

بیدینان روبرو است آن‌ها بطغیان عمومی منجر می‌شود. مخالفت و تحریک علیه رقیبان غالباً بشکل تکفیر و تهمت لامذهبی عنوان میگشت. از تعصبات مذهبی غالباً استفاده‌های نامشروع می‌شد. محمد علی میرزا برادر رقیب خود عباس میرزا را که بفکر ایجاد نظام نوینی برای ارتش ایران بود رسوا و متهم کرد که افراد نظامی را بلباس کفار ملبس کرده و دین اسلام را از بین برده است. عباس میرزا برای مقابله با این اتهامات يك آیه از قرآن را که در آن از تجدید سلاح و سازو برك ارتش برای مقابله با دشمنان اسلام صحبت شده استنساخ نمود و آنرا در سراسر مملکت پخش کرد. بهمین نحو مخالفین سیاست تجدد و اصلاح طلبی ناصرالدین شاه خود را مدافعان اسلام قلمداد می‌کردند و نظریات اصلاحی شاه را با قرآن مغایر میدانستند. از جهت دیگر داعیه سرچنبانان نهضت‌های انقلابی در اواخر قرن نوزدهم که به اعطاء مشروطیت منتهی شد این بود که قانون اساسی مورد در خواست آنها همان قوانین (شریعت) است و ادعا می‌کردند وظیفه دفاع از اسلام در برابر آنهایی که میخواهند سرزمین اسلام را به کفار بفروشند بر عهده آنهاست. بانبودن بانك، بازرگانان نقش مهمی در تهیه و تدارك و انتقال پول ایفاء می‌کردند. قرآن با تحریم ربا خواری مشکلات عمده‌ای برای تأمین اعتبارات مالی فراهم کرده ولی راههای قانونی برای فرار از این مشکل تعبیه شده بود. در قرن نوزدهم با اینکه زرتشتیها. یهودیان. و تجار ارمنی نقش مهمی در تجارت ایران داشتند اما تجارت عمده داخلی در قسمت تجار مسلمان بود و در مواقع فوق العاده دولت بسراغ

آنها میرفت وقتی ناصرالدین شاه پسر ازمرک محمد شاه برای تصاحب تاج و تخت بسمت تهران حرکت کرد يك بازرگان تبریزی وجوه لازم در اختیار او گذاشت بهمین ترتیب وقتی حقوق مأمورین دولتی عقب میافتاد (عملی که مرتباً تکرار میشد) یا مأمورینی که دچار بی پولی بودند برای رفع مضیقه بهتجار مراجعه میکردند. در مواقعیکه یکی از حکام از بین طبقات پولدار بزرگ انتخاب نمیشد معمول این بود که بعضی از تجار را پیدا میکرد تا کمبود پرداخت خود را به دولت مرکزی از آن محل تأمین کند. در برخی از مواقع مأمورین دولتی در حقیقت با تجار سهام و شریک بودند مثل امین الدوله (که ذکرش گذشت) در بعضی از ایالات دوردست خود حاکم بتجارت مشغول میشد و يك دو قسمت از امور تجارتي را در انحصار خود در میآورد.

در شهرهای بزرگ يك ملكالتجار که در حقیقت رئیس تجارهر محل بود وجود داشت و این لقب از جانب شاه یاوالی اعطا میشد. این عنوان نیز از هر جهت موروثی بود. از لحاظ مقام اجتماعی تجار بعد از مأمورین کشوری و لشگری، ملاکین و طبقات روحانی قرار داشتند. گرچه بعضی اوقات بر اثر زناشویی یا تحصیل املاک یا خدمات دولتی بسایر طبقات ملحق میشدند. از نظر کلی بین تجار بازار و طبقات روحانی ارتباط نزدیک وجود داشت و در بازار امری معهود بود که بتحریک علماء و برای مقابله باب برخی از اقدامات دولت بازار را بحالت اعتراض ببندند. ولی علیرغم نقش مهمی که بازرگانان در اجتماع داشتند در ایندوره کوچکترین اقدامی برای ایجاد يك طبقه تاجر

متوسط قوی بعمل نیامد در این دوران اتحاد و همبستگی صنفی حائز اهمیت فراوانی بود. وظیفه اصلی توده‌های مردم در شهر و دهات پرداخت مالیات بدولت یا حکومت‌های محلی یا هر دو بود و این وظیفه را قرن‌ها بر عهده داشتند و از لحاظ فهم و ثروت بین توده مردم و بقیه افراد فاصله عمیقی وجود داشت. در عین حال توده مردم با گذشت سال‌ها شیوه‌ی برای خود انتخاب کرده بودند تا با توسل بدان تاحدی عناصر زورگو و ستمگر را فریب دهند و گول بزنند اما بطور کلی جان و مال این طبقه بطرز تأسف آوری در معرض خطر بود. به سائلی نظیر اخاذی مأمورین جمع‌آوری مالیات، تنزل استقلال شخصیت، وحشت بروز با و طاعون، قحطی و گرانی بر اثر کمبود واقعی یا مصنوعی و احتکار اجناس و نیز ترس از هجوم و قتل و غارت تر کم‌ها و سایرین، و در شهرها طغیان مردم که بجزیی بلوا و اقدامات مخالف عناصر گمنام با انقلاب منجر میشد افزوده شده بود. درجه عدم امنیت که بر نقاط مختلف مملکت درازمنه مختلف حکم فرمایی متغیر بود در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه حداقل بصورت ظاهر امنیت نسبتاً خوب و فرمان دولت در سراسر مملکت نافذ بود (۱).

تنها راه چاره مردم برای گریز از اخاذی و ظلم و ستم توسل بشاه، التجاء بیکمی از پیشوایان مذهبی، بست نشستن در آستان مقدسه

لرد کرزن . ایران و مسائل ایران - لندن ۱۸۹۲ صفحه ۶-۴۰۵

1-Curzon, Persia and the Persian Questions

London, 1892, i, 4.5-6

و در آخرین مرحله فرار بود. مراد مهم شیعیان بخصوص شاهزاده عبد-العظیم و قم پناهگاههای مطلوبی بودند و نیز مردم در اصطبل سلطنتی بست مینشستند (۱). سفارتخانه‌های خارجی و از نیمه دوم قرن نوزدهم بعد اداره تلگرافخانه هم بصورت بست درآمد.

فرصت کوتاه و موضوعی که قصد بحث پیرامون آنرا دارد طولانی است در این بحث قسمتهایی از اجتماع ایران مطلقاً مورد گفتگو واقع نشد در حالیکه احتیاج به بررسی دارد. در ایندوره فتنه، ناامنی، پول پرستی، خود کامگی فراوان و نیز فقدان واقع بینی غالباً همراه با غرور بوضوح دیده میشود. برای عده‌ای و در بین آنها محتملاً اصلاح طلبان ایران این معایب ممکنست قابل بحث نباشد. ولی در عین حال باید اعتراف کرد که در ایندوره مشاهدات مسافری خارجی بطور اعم همواره نموداری از وجود مردمی میهمان نواز و دوست داشتنی بوده و در لابلای یادداشتها مسافرت و کتاب آنها بارها از تمدن، بلند نظری، شخصیت و شجاعت، روش و رفتار احترام آمیز ایرانیها سخن می‌رود. پایان سخنرانی.

رئیس انجمن: علیاحضرتا! خانمها و آقایان! اجازه میخواهد بنمایندگی از طرف عموم حاضرین از تشریف فرمایی خانم لمبتن و ایراد این سخنرانی جالب تشکر کنم. بنده نمیخواهم در مورد اظهارات پروفیسور لمبتن کوچکترین تفسیری کنم زیرا برای انجام چنین مهمی در اینجا افراد مطلع و صاحب نظر از هر جهت وجود دارند

ولی ایشان از ایندوره از تاریخ ایران تصویر جالبی ترسیم کردند، تاریخ ایران آنقدر قدیمی است که اگر شخصی حتی مختصری از يك دوره آنرا بشناسد بفهم مشکلاتی که ایران معاصر با آن روبرو است کمک خواهد شد .

بنده شخصاً نظیر اکثر حضار آرزویم این بود سؤالاتی طرح میشود و پروفیسور لمبتن پرسشها جواب میدادند ولی متأسفانه چند دقیقه‌ای بیشتر از وقت باقی نیست و میزبانان ما باین سالن احتیاج دارند . بنا براین اگر سخنرانی بهمین جا خاتمه پیدامیکند علت این نیست که از ایراد این سؤال گریزانم بلکه ما بینهایت بطرح سؤالات علاقمندیم قبل از ترك جلسه بعنوان رئیس انجمن وظیفه‌ای مسرت بخش بر عهده اینجانب محول است و آن تقدیم مدال مموریال سرپرسی سایکس به خانم پروفیسور لمبتن است .

بعلت ضیق وقت در خصوص تاریخچه مدال بطور تفصیل بحثی نمیکنم . مختصراً اینکه انجمن وجود این مدال را مرهون سخا و بخشندگی «لیدی اولین سایکس» و فرزندان سرپرسی سایکس فقید میدانند که مبلغی بانجمن هدیه کرده اند و از آن محل این مدالها تهیه میشود و امروز بدونفرز نمایندگان این خانواده لیدی رابلی . و خانم سینکلر که در اینجا تشریف دارند خوش آمد میگویم . این مدال از طرف انجمن بشخصیتهای ممتاز . نویسندگان و کسانی که به پیشرفت دانش بشری و ازدیاد میزان علاقمندی مردم بممالک آسیایی ویا بتوسعه ارتباطات فرهنگی بین کشورهای متحد المنافع بریتانیا و کشورهای

آسیا خدمت کنند اهداء میشود . مدال از طرف ضرابخانه سلطنتی ضرب شده این مدال از طرف انجمن مرتباً و هر ساله باشخاص مختلف اعطاء نمیشود بلکه تابع مقررات خاص و مخصوص اشخاصی است که استحقاق دریافت آنرا بر طبق منشور انجمن دارا باشند برای انجمن تردیدی نیست که پروفیسور لمبتن از هر لحاظ استحقاق دریافت این مدال را دارد .

در ابتداء سخنرانی بایجاز و اختصار در خصوص شخصیت خانم پروفیسور لمبتن و اطلاعات وسیع ایشان پیرامون تاریخ ، عرف و عادات و زبان ایران صحبت شد ولی مقام خانم لمبتن والاتر از اینها است . بنظر اینجانب و مسلماً سفرای کبار حاضر در جلسه اظهارات مرآتآید مینمایند که خانم پروفیسور لمبتن گرانبها ترین عامل ارتباط بین ما و ایران کشور بزرگ دوست و متحد مادر پیمان مرکزی (سنتو) محسوب میشوند .

سال گذشته پروفیسور لمبتن از ایران بازدید کردند و مرتباً تکمیل معلومات خود در باب این کشور می پردازند . ایشان با طبقات مختلف این مملکت آشنا هستند و دوستان متعددی بین آنها دارند و در ایران از احترامی خاص برخوردارند و نیز پروفیسور لمبتن در کار تعلیماتی خویش در دانشگاه لندن برای تعلیم دانشجویان و ترغیب و تشویق آنها بایران شناسی ، شناخت مشکلات و شناسایی مردم این مملکت یکی از هدفهای عالی انجمن را که از دیاد ارتباط و علائق فرهنگی و معنوی بین ملل شرقی و غربی است تکمیل مینمایند و این هدفی است که انجمن

آنرا صمیمانه دنبال میکنند •

بخانم پروفیسور لمبتن ! بنا بر این برای اینجانب مایه کمال افتخار است که از طرف انجمن مدال موریال سرپرسی سایکس و صمیمانه تریب ادعیه و تبریکات خود را بشما تقدیم نمایم (تحسین و کف زدن حضار) •

پروفیسور آن لمبتن: از افتخاری که با اعطاء این مدال نصیب اینجانب میشود کاملاً آگاه هستم برای هر کس که دانشجوی مکتب ایران است دریافت مدال یادبود سرپرسی سایکس که با آثار و مسائل مورد علاقه او همه آشنایی دارند عالیترین آرزو و کمال مطلوب است از این که چنین افتخار عظیمی نصیبم میشود از انجمن صمیمانه تشکر می‌کنم •

